

هشت مارس امسال، گامی دیگر به پیش!

حسن رحمان پناه

هشت مارس امسال نسبت به سال‌های قبل حال و هوای تازه‌تری داشت. در این روز صف میلیونی انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب در همه دنیا و در گوشه و کنار این جهان غیرانسانی و ناامن برای دفاع از حقوق زنان به حرکت درآمد. اجتماعات بزرگ و کوچک، مخفی و علنی، اما پرشور و با اعتماد به نفس برای تغییر جهان وارونه کنونی تشکیل شد. در بسیاری از این تجمعات مانیفست زنان برابری‌طلب علیه ستم و بی‌عدالتی روزانه در جامعه، در اداره و محل کار، در خانواده و محیط خصوصی زندگی با صدای رسا ابلاغ شد. اعلام شد که زنان نه تنها نصف جامعه بلکه سازنده جامعه، نه تنها مادر و صاحب انسانی‌ترین عواطف، بلکه همراه و همگام با نیروی تحول‌بخش جهان کنونی یعنی طبقه کارگر، سازندگان و بانیان جهان دیگر، یعنی جهان‌نویسند که در آن صلح به جای جنگ، عشق به جای خصومت، عدالت به جای نابرابری و خوشبختی به جای فقر و محرومیت از ویژگی‌های چنین جامعه‌ای خواهد بود. در این روز مرزها درهم نوردیده شد. نژاد، ملیت، پوست و پرچم، رنگ باخت و هر آنچه از انسانیت به دور بود به حاشیه رفت و اراده انسان‌های آگاه و مصمم برای تغییر عرض اندام کرد. روز با شکوهی بود و جهان حال و هوای دیگری داشت. بوی تعفن مردسالاری و مذهب‌زدگی و خرافات که «زن کشتزار مرد است، بهشت زیر پای اوست و ضعیفه و ناقص‌العقل» لاقل در این روز از بسیاری از اذهان رخت بریست و یا کاهش یافت.

در جهان مملو از نابرابری و تبعیض و زن ستیز، حاکمان زر و زور در مقابل این موج عظیم و حرکت اجتماعی-انسانی و تحول‌بخش تاب سکوت نیاوردند و با ارسال پیام‌های کذایی و دروغین، وعده‌های توخالی، اما در عمل ضد زن را دوباره و چند باره تکرار کردند. هم‌زمان پلیس و سگ را به خیابان‌ها فرستادند تا مانع "زیاده‌روی" زنان علیه "نظم، قانون و جامعه" شوند. نظم و قانونی که در جامعه امروزی مملو از بی‌عدالتی و وحشیگری و در خدمت استثمارگران و علیه ستم‌دیدگان و در راس آنان زنان و کودکان است. امروز در گوشه و کنار جهان زنان اولین قربانیان نظام کنونی و بی‌حقوق‌ترین انسان‌ها هستند. آوار فروپاشی بلوک شرق قبل از هر کس برسر زنان فروریخت. صدها هزار زن و دختر جوان اروپای شرقی که در سودای "دمکراسی و زندگی بهتر" وعده داده شده راهی اروپای غربی شدند در دام مافیای تجارت سکس گرفتار آمدند و امیدهایشان به کابوس بدل شد. جنگ بالکان اولین قربانیانش زنان بودند که مورد تجاوز فردی، دسته‌جمعی و گروهی قرار گرفتند. بیشترین قربانیان نسل‌کشی رواندا زن بودند. میخ استبداد مذهبی و امروز در راس آن اسلام، در هر جای که دست بالا پیدا کنند بر فرق زنان کوبیده می‌شود که ایران، افغانستان، عراق، عربستان

سعودی و... نمونه‌های غیر قابل انکار این واقعیت هستند. در کویت که نورچشمی آمریکا است و برای پایان اشغال آن، منطقه خلیج را قرغ کردند، زنان از حق رای محرومند. در انتخابات چند ماه قبل شوراهای شهر در عربستان سعودی تنها مردان حق رای داشتند. در ایران بخش از درآمد آوندها که حلال و اسلام است از مالیات و تجارت سکس زنان و دختران جوان به شیخ نشین‌های حوزه خلیج فارس و دیگر نقاط جهان عاید نمایندگان خدا می‌شود. زنان در جهان ناعادلانه امروز اولین قربانیان فقر و سیاه‌روزی هستند. بنا به گزارش سازمان یونسف ۷۰ درصد بیسوادان و دو سوم فقیران جهان زن هستند. در هیچ گوشه‌ای از جهان کنونی امروز و حتی در پیشرفته‌ترین کشورها هم، زن و مرد در عرصه کار و دستمزد، اداره جامعه و نهادهای حکومتی و کلان جامعه متساوی‌الحقوق نیستند، بلکه فاصله زیاد و شکاف عمیق است. امروز سیاست‌های نئولیبرالی در گوشه و کنار جهان دست آوردهای تاکنونی زنان در همه عرصه‌های زندگی، خانواده و جامعه را که محصول مبارزه قدم به قدم و فداکارانه آن‌ها است روزانه بازپس می‌گیرد. بیکاری گسترده و اخراج دستجمعی و روزانه، اولین قربانیانش را از زنان می‌گیرد که فرستادن آنان به دنج آشپزخانه و بچه‌داری و پخت و پز یک از ویژگی‌های این سیاست است. خشونت و تجاوز در خانه و محیط کار به بخش لاینفک مناسبات موجود علیه زنان در کشورهای مختلف تبدیل شده است. در بخش از کشورهای جهان بخصوص کشورهایی که قوانین اسلامی ضدزن اجرا می‌شود نقص آگاهانه عضو بدن زنان(ختنه) که عملی بغایت ضدانسانی و وحشیانه است هنوز اجرا می‌شود.

زنان امسال در ۸ مارس با بیان این حقایق و ده‌ها نمونه دیگر، جامعه مردسالار و نظام ظالمانه طبقاتی را به چالش طلبیدند و جریان رادیکال و انقلابی آن مانیفست برابری طلبانه خود را با زبانی روشن و گویا و با امید تغییر به جهان اعلام داشتند.

در ایران اسلام زده که مشتی آخوند واپسگرا و ضد زن حاکمند آنان کماکان آیات و حدیث، جهل و خرافه را مطابق شریعت اسلام و قانون اساسی منتج از آن علیه زنان سرمی دهند. حکام واپسگرا و ضدزن اسلامی امسال هم هم‌چون سال‌های قبل اجازه برگزاری مراسم مستقل و میلیونی به زنان و مردان برابری طلب ندادند. این موجودات ضدزن و ضدانسان هم‌چنان برطبل خرافه مذهب و زن‌ستیزی می‌کوبند و روز زن را نه هشت مارس بلکه روز در گذشت فاطمه دختر پیشوای مسلمانان جار زدند، که به جز دختران زینب و زنان و دختران حرمسراهای خود کسی برای آنان تره خورد نکرد.

گسترده‌گی جنبش زنان امروز در جامعه ایران آنچنان وسیع است که بخش از حاکمیت از قبیل دو خردادی‌ها و برای نمونه (حزب مشارکت اسلامی) علی‌رغم اعتقاد به قانون زن‌ستیز اسلام برای این روز پیام فرستادند.

اما علی‌رغم مخالفت و فشار و تهدیدات حاکمان اسلامی امسال در جاهای مختلف مراسم روز ۸ مارس برگزار شد. بعزت فضای دیکتاتوری و ضدزن کمیت مراسم ابداء بیانگر حضور زنان در جامعه امروز و در عرصه‌های مبارزه و فعالیت نیست. اما یکی از ویژگی‌های مراسم امسال نسبت به سال‌های گذشته تفکیک و پلورالیزاسیون و تجزیه در صفوف جنبش زنان بود که خود بیانگر تجزیه و مشخص شدن هرچه بیشتر خطوط سیاسی و مبارزاتی در درون جامعه ایران است. امسال دو گرایش عملاً در عرصه جنبش زنان خودنمایی کردند و هر کدام خواست و مطالبات خود را بیان کردند. گرایش راست و لیبرال در جنبش زنان بیشتر به خواست‌ها و مطالبات اصلاح طلبانه چسبید و طرح و برجسته کردن (شعار فراندوم) و کوشش برای تغییر در قانون اساسی با اتکا به فراندوم را در سرلوحه مطالبات خود قرار داد. این گرایش عملاً خواست و مطالبات زنان را دور زد و در صفی ایستاد که ۸ سال قبل با رأی دادن به خاتمی عواقب زیان‌بار آن امروز از هر زمانی بیشتر برای جنبش زنان نمایان شده است. این گرایش قصد دارد جنبش زنان را نه بعنوان جنبشی رادیکال و تحول بخش برای پایان دادن به حاکمیت ننگین مذهبی و مردسالاری بسیج کند، بلکه در صدد است آن را به ستون حفظ ویرانه‌های حکومت اسلامی تبدیل نماید. دفاع از طرح شعار (فراندوم قانون اساسی) که طرح و پلاتفرم جناح‌های مختلف بورژوازی ایران برای نجات حاکمیت سرمایه در مقابل انقلاب است، به بیراهه بردن جنبش زنان است. جنبش زنان که با پوست و استخوان و سلاخی و اسیدپاشی، ۲۶ سال است تاوان قانون اساسی حکومت مذهبی را می‌پردازد نمی‌تواند به "اصلاح" این قانون رضایت دهد، بلکه باید علیه کلیت آن و لغو نهایی آن باشد. تمام محرومیت و بدبختی‌های امروز زنان در جامعه ایران برگرفته از قانون اساسی، مذهبی و فرهنگ و مناسبات طبقاتی و مردسالار است. هر حرکت زنان در خانواده و جامعه برای پایان دادن به شرایط غیرانسانی زندگی خود در اساس قانون شکنی است.

اما گرایش رادیکال که در بخشی از تجمعات تهران، سنندج، تبریز، سقز، بوکان و جاهای دیگر و در پیام و قطعنامه‌های آنان خود را نشان داد با خواست و مطالبات واقع و برابری طلبانه زنان در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در هم‌سویی با دیگر جنبش‌های انقلابی و تحول بخش کارگری و مردم تحت ستم نشان داد. این حرکت می‌تواند شکوفه‌های امید به رهایی نهایی را با نیروی آگاه و سازمان‌یافته زنان، کارگران و تمام انسان‌های متنفر از ستم و بی‌عدالتی را در قلب میلیون‌ها انسان برویاند. این گرایش تماماً قانون‌شکن و ضدوضعیت موجود و خواهان پایان دادن به حکومت مذهب است. اگر سالن و یا محل را برای تجمع از آن دریغ می‌دارند مراسم خود را در پارک و خیابان و بطور علنی برگزار می‌کند. سکوی خطابه‌اش با پرچم سرخ تزیین می‌شود و عمیقاً

برابری طلب و انسان دوست است.

اگر تاریخ جنبش جهانی زنان در ۸ مارس، تاریخ مبارزه و کوشش جریان چپ و سوسیالیست برای پایان دادن به ستم و نابرابری در جامعه طبقاتی از جمله ستم جنسی است، امروز از هر زمانی بیشتر تلفیق مجدد جنبش زنان با جنبش سوسیالیستی و چپ در جامعه با افق روشن و رهایی بخش و با نیروی متحد زنان و مردان برابری طلب به نیاز فوری و عاجل این جنبش تبدیل شده است. بدون عجز شدن این دو حرکت و تبدیل شدن به پیکری واحد، دست آورد جنبش زنان شکننده و قابل بازپس گیری و نیمه تمام است. حرکت رادیکال زنان در ۸ مارس امسال کوششی برای جواب گویی به این نیاز عاجل بود. قدرت نمایی مراسم ۸ مارس امسال، تاکید بر تشکلات مستقل زنان، مستقل از دولت و سیاست های تبعیض آمیز و ضدزن، خواست جدایی دین از دولت و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی خصوصی افراد بخصوص زنان و کار و استقلال اقتصادی زن، بخشی از خواست و مطالبات فوری کنونی جنبش زنان است که باید به ملکه ذهن و مطالبه هر تجمع و نشست تبدیل شود. مراسم جریان رادیکال و انقلابی امسال در نقاط مختلف ایران در ۸ مارس روز جهانی زن، جنبش زنان را گامی دیگر به جلو سوق داد. پیروزی جنبش زنان در هم سوئی با جنبش های رادیکال و انقلابی دیگر و در تداوم و پویایی آن است.

۱۱ مارس ۲۰۰۵

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۷